روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی
صاحب‌امتیاز و مدیرمسؤول: محمد آخوندی
مدیرعامل: رضا شکیبایی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳ نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷
پیامرسان: vatanemrooz@ پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌جم برتر برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰
وطن امروز

حضرت امام صادق(ع):
عافیت، نعمتی سبک وزن است؛ تا هست، فراموش می‌شود و چون رفت، به یاد می‌آید.

بیانیه ۴۰۰۰ نفر از سینماگران جهان درباره تحریم صنعت سینمای رژیم صهیونیستی چه پیامی دارد؟

اسرائیل کات!

میلاد جلیل‌زاده

۴۰۰۰ نفر از سینماگران مشهور جهان که اکثریت غالب آنها از میان چهره‌های آمریکایی هستند، بیانیه‌ای را امضا کردند که صنعت سینمایی رژیم صهیونیستی و تمام رویدادهای آن اعم از جشن‌ها و جشنواره‌ها را تحریم می‌کند. ۲ سال پیش در چنین روزی وقتی هنوز توفان‌الاقصی رخ نداده بود، هر کس به چنین خبری برمی‌خورد، مشت‌ها را در کاسه چشمانش می‌چرخاند تا ببیند آیا بیدار است و آیا متن خبر را درست خوانده یا نه. در این مدت، جهان لحظه‌ای از شوک نایستاد و به قدری اتفاقات خارج از محاسبه در آن رخ داد که در شرایط پیش از این، تنها یکی از آنها می‌توانست نقطه عطف ذهنیت‌ها قرار بگیرد. با این حال هنوز هم این خبر عجیب است؛ حتی در میان انبوه اخبار عجیبی که بالمره در این ایام می‌شنویم. در سیستم اجتماعی و سیاسی غرب کوچک‌ترین نقدی به رژیم صهیونیستی می‌تواند برای کسانی که آن را اظهار داشته‌اند هزینه‌های بنیادین به همراه داشته باشد. آنها معمولا چنین افرادی را برای اظهارنظرهایی از این دست نمی‌گیرند تا به زندان بیندازند، بلکه در عوض زندگی‌اش را ویران می‌کنند. یعنی از روشی استفاده می‌شود که به آن کنسلینگ (cancelling) می‌گویند و تمام قراردادهای مالی و مناسبات اجتماعی فرد را متلاشی می‌کند؛ او تنها می‌ماند و مثل کسی که دستگیر شده، قهرمان هم نمی‌شود. در چنین شرایطی است که امضای بیانیه‌ای با این محتوا و با این غلظت، اهمیت چند برابر پیدا می‌کند. در شرایطی هستیم که شدت جنایات اسرائیل نه‌تنها از حد توجیه‌پذیری گذشته است، بلکه حتی نمی‌توان با هر توجیهی آن را نادیده گرفت یا در برابر یادآوری‌اش به جمله زشت و زننده‌ای مثل «به ما چه مربوط» پناه برد. همین است که چهره‌های مشهور سینمای جهان را به واکنش وامی‌دارد تا از وضعیت امروز جهان و سیل افکار عمومی جا نمانند. در این بیانیه و اظهار نظرهای بعدی بعضی امضاکنندگان آن می‌توان نکات قابل تاملی را یافت که تا ۲ سال پیش شنیده شدن آنها هم از زبان چهره‌های مشهور غربی خواب و رویا می‌نمود. آنها بیانیه سال ۲۰۲۵ خود را در پیوند با بیانیه‌ای که سال ۱۹۸۷ برای تحریم صنعت سینمایی رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی امضا کرده بودند تعریف می‌کنند و این می‌تواند اشاره‌ای تلویحی و ضمنی به پیش‌بینی یا لااقل آرزوی محو شدن رژیم اسرائیل داشته باشد. نکته دیگری که بعضی لیدرهای امضاکننده این بیانیه به آن اشاره کرده‌اند، مساله غاصب بودن رژیم صهیونیستی است. به عبارتی آنها این روایت را شکستند که همه چیز از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ شروع شد و موجودیت اسرائیل را اشغالگر دانستند. شنیدن این نکات از زبان ستارگان هالیوود واقعاً شوکه‌کننده است. کافی است به یاد بیاوریم که تولد این رژیم نامشروع در سال ۱۹۴۸، توسط جمعیتی عظیم در هالیوودبول جشن گرفته شد که به پیام ضبط شده‌ای از نخست‌وزیر بنیانگذار، دیوید بن‌گوریون گوش می‌دادند. سال ۱۹۶۷ در همان مکان، «راهپیمایی برای بقای اسرائیل» پس از جنگ ۶ روزه اعراب و اسرائیل با حضور ستارگانی مانند فرانک سیناترا، پیتر سلرز و باربارا استرایسند برگزار شد و این قبیل حمایت‌ها تا قبل از توفان‌الاقصی همچنان ادامه داشت.

در ادامه به بررسی بیانیه، برخی جزئیات قابل توجه آن، بعضی اظهار نظرهای بعدی که لیدرهای امضاکننده آن کرده‌اند و نیز شرایطی که باعث انعقاد این پیمان‌نامه و گسترش آن شد، پرداخته شده است.

■ پاسخ به ندای فلسطینی‌ها

«ما به عنوان فیلمساز، بازیگر یا فعال در شاخه‌های دیگر صنعت سینما، قدرت سینما در شکل‌دهی به برداشت‌ها از هر موضوع را تشخیص می‌دهیم. در این برهه بحرانی فوری که بسیاری از دولت‌های ما در حال دامن زدن به قتل عام در غزه هستند، باید هر کاری را که از دست‌مان برمی‌آید، برای مقابله با همدستی در این وحشت بی‌وقفه انجام دهیم».

این جملات ابتدایی بیانیه‌ای است که با امضای ۱۳۰۰ نفر از سینماگران برجسته دنیا دوشنبه ۱۷ شهریور منتشر شد و تا چهارشنبه تعداد امضاهای آن از ۳۹۰۰ نفر گذشت و همچنان در حال اضافه شدن است. پیش از اینکه ببینیم مفاد این بیانیه چیست و آیا غیر از محکومیت جنایات اسرائیل، در آن به اقدام دیگری هم اشاره شده است، توجه به همین جملات ابتدایی ممکن است ما را شوکه کند. این سینماگران دقیقاً در ابتدایی‌ترین کلمات بیانیه‌ای که صادر کرده‌اند، به همان چیزی اشاره می‌کنند که بسیاری از ملت‌ها و شخصیت‌های آزاده جهان مدت‌ها تلاش داشتند با تمام قوا در مجامع بین‌المللی یا نزد افکار عمومی جهان آن را به اثبات برساند. مساله این است که اگر رژیم اسرائیل چنین گستاخانه و بی‌محابا نه‌تنها در نوار غزه، بلکه در سایر مناطق دست به خشونت و جنایت می‌زند، همه چیز فقط و فقط به پشتوانه حمایت کشورهای غربی انجام می‌شود و جالب اینجاست که وقتی پر سر و صداترین بیانیه سینماگران پس از ماجرای توفان‌الاقصی صادر می‌شود، نخستین نکته‌ای که مورد اشاره قرار می‌گیرد همین است. در ادامه این بیانیه به این اشاره شده که دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان بالاترین دادگاه جهان، حکم داده است خطر نسل‌کشی در غزه وجود دارد و اشغال و آپارتاید اسرائیل علیه فلسطینیان غیرقانونی است.

نویسندگان بیانیه سپس جملاتی را اضافه می‌کنند که به نظر جزو بدیهیات اخلاقی و تمدنی می‌رسد اما به شکل تاسف‌باری در دنیای امروز به سخره گرفته شده بود. آنها می‌نویسند: «دفاع از برابری، عدالت و آزادی برای همه مردم یک وظیفه اخلاقی عمیق است و هیچ یک از ما نمی‌توانیم آن را نادیده بگیریم. بنابراین، اکنون باید علیه آسیبی که به مردم فلسطین وارد شده است، صحبت کنیم».

این جملات را می‌توان در برابر تمام کسانی گذاشت که با پیروی از مکتب «به ما چه مربوط؟!»، نه‌تنها ابتدایی‌ترین اصول اخلاقی را نادیده گرفتند، بلکه باعث جری‌تر شدن دشمن شدند تا نهایتا سر وقت خودشان هم بیاید.

تنظیم‌کنندگان بیانیه تعهد توضیح می‌دهند که این کار را به دعوت فیلمسازان فلسطینی انجام داده‌اند: «ما به ندای فیلمسازان فلسطینی پاسخ می‌دهیم که از صنعت بین‌المللی سینما خواسته‌اند از سکوت، نژادپرستی و غیرانسانی‌سازی خودداری کند و همچنین هر کاری که از نظر انسانی ممکن است را برای پایان دادن به همدستی در ظلم انجام دهد». آنها سپس به الگویی که برای تنظیم این بیانیه مدنظرشان قرار گرفته بود اشاره می‌کنند و البته این بخش از بیانیه‌شان حاوی نکته تکان‌دهنده‌ای است: «با الهام از فیلمسازان متحد علیه آپارتاید که از نمایش فیلم‌های خود در آفریقای جنوبیِ دوران آپارتاید خودداری کردند، ما متعهد می‌شویم فیلم‌هایی را که (رژیم سازنده آنها) در نسل‌کشی و آپارتاید علیه مردم فلسطین دست دارد، نمایش ندهیم، در رویدادهای سینمایی آن رژیم حضور پیدا نکنیم و با موسسات سینمایی اسرائیلی - از جمله جشنواره‌ها، سینماها، پخش‌کنندگان و شرکت‌های تولیدی - که در نسل‌کشی و آپارتاید علیه مردم فلسطین دخیل هستند، همکاری نکنیم».

اشاره نویسندگان این بیانیه به گروه «فیلمسازان متحد علیه آپارتاید» است که در سال ۱۹۸۷ تاسیس شد و به رونالد ریگان، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده نامه نوشتند و از او خواستند از تحریم فرهنگی آفریقای جنوبی به دلیل نژادپرستی حمایت کند. وودی آلن، جاناتان دمی، اسپایک لی، مارتین اسکورسیزی و سوزان سیدلمن نمایندگان اولیه جمع ۱۰۰ نفره‌ای بودند که در تنظیم آن بیانیه نقش داشتند. این کارگردانان از همان ابتدا به استودیوهای بزرگ فیلمسازی فشار آوردند تا به آنها اجازه دهند بندی را در قراردادهای‌شان بگنجانند که مانع توزیع فیلم‌های‌شان در آفریقای جنوبی شود.

■ تحریم شدن تحریم‌کننده اعظم!

صدور نخستین بیانیه تعهد به زمانی برمی‌گردد که رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی همچون دوقلوی رژیم صهیونیستی، در نظام بین‌الملل نقش نیروی نیابتی غرب را بازی می‌کرد؛ روزگاری که کشورهای غربی از جمله ایالات متحده، نلسون ماندلا را در فهرست شخصیت‌های تروریست قرار داده بودند و در مقابل از رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی به عنوان یکی از مستعمره‌نشین‌های غربی در سرزمینی غیرغربی حمایت می‌کردند. نکته تکان‌دهنده در بیانیه اخیری که توسط صدها چهره برجسته سینمای جهان امضا شد و انتشار پیدا کرد هم این است که رژیم صهیونیستی را با رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی مقایسه کرده است. این قیاس فقط به لحاظ شدت محکومیت اسرائیل در آن ارزشمند نیست؛ چه اینکه رژیم صهیونیستی خود از لحاظ قساوت در دنیای معاصر کم‌نظیر است و از این جهت به مثال برجسته‌ای تبدیل شده که دیگران را برای زیر سوال بردن می‌توان به آن تشبیه کرد. باید گفت چنین تشبیهی از آن جهت اهمیت دارد که توجه کنیم رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی نهایتاً محو و نابود شد و حالا قیاس آن با اسرائیل هم بدون اشاره مستقیم، همان حال و هوا را تداعی می‌کند. حتی نویسندگان بیانیه اذعان کرده‌اند این دومین بیانیه از گروه «فیلمسازان متعهد علیه آپارتاید» است؛ بار اول در ۱۹۸۷ برای تحریم آفریقای جنوبی و بار دوم در ۲۰۲۵ برای تحریم اسرائیل. مقایسه مستقیم این ۲ رژیم با یکدیگر که اتفاقاً هر ۲ جزو کلونی‌های مستعمره‌نشین باقی مانده از دوران استعمار غربی بودند، مشخص می‌کند که بوی سقوط رژیم صهیونیستی به مشام اهالی سینما در کشورهای غربی هم خورده است. البته هیچ چیزی در این رابطه در بیانیه آنها به طور واضح و صریح مورد اشاره قرار نمی‌گیرد اما حتی دقت به ادبیات متن بیانیه هم نشان می‌دهد که آنها متعهد شده‌اند نامی از اسرائیل به عنوان یک کشور نبرند.

امضای این بیانیه، امضاکنندگان را متعهد می‌کند غیر از عدم حضور در پروژه‌های اسرائیلی یا هر نوع همکاری در توزیع فیلم‌های مربوط به این رژیم در سایر نقاط دنیا، رویدادهای سینمایی این رژیم اعم از جشن‌ها و جشنواره‌ها هم باید تحریم شوند. این تعهد جشنواره فیلم اورشلیم، جشنواره بین‌المللی فیلم حیفا، دوکاویو و TLVfest که جشنواره فیلم‌های همجنس‌گرایانه است را هم دربر می‌گیرد.

در نگاه اول، این بخش از بیانیه تعهد ممکن است برای مخاطبان ایرانی سال ۱۴۰۱ را به یاد بیاورد که رژیم صهیونیستی با تمام توان خود تلاش می‌کرد چنین شرایطی را برای سینمای ایران به وجود بیاورد و دولت‌های غربی هم کمکش می‌کردند اما حالا همان وضعیت دامنگیر خود اسرائیل می‌شود و دولت‌های غربی هم نمی‌توانند یاری خاصی به این رژیم برسانند.

در حالی که فهرست اولیه، شامل ۱۳۰۰ امضاکننده و حاوی نام فیلمسازانی مانند یورگوس لانتیموس، آوا دوورنی، آدام مک‌کی، بوتس رایلی، اما سلیگمن، جاشوا اوپنهایمر و مایک لی و بازیگرانی از جمله اما استون، اولیویا کلمن، آیو ادبیری، لیلی گلدستون، مارک روفالو، هانا اینبیندر، پیتر سارسگارد، ایمی لو وود، پاپا اسیدو، گائل گارسیا برنال، ریز احمد، ملیسا باررا، سینتیا نیکسون، تیلدا سوینتون، خاویر باردم، جو آلوین و جاش اوکانر بود، اکنون خواکین فینیکس، نیکولا کافلان، اندرو گارفیلد، هریس دیکینسون، بوون یانگ، رونی مارا، گای پیرس، جاناتان گلیزر، ایبون ماس باچراک، فیشر استیونز، ابی جیکوبسون، اریک آندره، الیوت پیج، پایال کاپادیا و اما دارسی هم امضای خود را به این تعهد اضافه کرده‌اند.

یکی از نخستین نام‌هایی که این بیانیه را امضا کرده بود، کن لوچ، فیلمساز چپگرای انگلیسی است که یکی از تشکیل‌دهندگان کمپین تحریم کالاهای اسرائیل از سال ۲۰۰۹ بود؛ کمپینی که دامنه آن فراتر از تحریم صنعت سینما یا رویدادهای سینمایی رژیم صهیونیستی می‌رفت. اگر سال ۲۰۰۹ در میان کسانی که چنین کمپینی را به راه انداختند، تنها یک چهره مشهور سینمایی وجود داشت، حالا تعداد چنین افرادی تا این لحظه به ۴ هزار نفر رسیده است. این وضعیت البته فقط در سینما به چشم نمی‌خورد و در سایر شاخه‌های هنری هم قابل مشاهده است. به عنوان مثال سال پیش تعهد مشابهی توسط بیش از ۷۰۰۰ نویسنده و فعال کتاب، از جمله سالی رونی و ویت تان نگوین، امضا شد و امضاکنندگان آن بیانیه هم ناشران «همدست» اسرائیلی را تحریم کردند.

■ کدام سوی ماجرا غاصب و کدام‌شان مالک سرزمین است؟

دیوید فار (david farr) که یکی از چهره‌های برجسته تئاتری در بریتانیا و معاون مدیر رویال شکسپیر کامپنی، یکی از شرکت‌های بزرگ حوزه نمایش در جزیره است و علاوه بر اینها به عنوان نویسنده در صنعت سینما هم فعالیت دارد، یکی از چهره‌های فعال در تنظیم این بیانیه و گسترش دامنه امضاها به حساب می‌آید. او فارغ‌التحصیل کمبریج و یک یهودی‌تبار است. فار در اظهار نظری که درباره این بیانیه داشت، گفت: «من به عنوان یکی از نوادگان بازماندگان هولوکاست، از اقدامات دولت اسرائیل که دهه‌هاست سیستم آپارتاید را بر مردم فلسطین که سرزمین‌شان را غصب کرده‌اند، تحمیل کرده و اکنون در حال تداوم نسل‌کشی و پاکسازی قومی در غزه است، ناراحت و خشمگین هستم. در این زمینه، نمی‌توانم از انتشار یا اجرای آثارم در اسرائیل حمایت کنم. تحریم فرهنگی در آفریقای جنوبی قابل توجه بود. این بار نیز قابل توجه خواهد بود و به نظر من باید توسط همه هنرمندان باوجدان حمایت شود».

این شاید به نظر نکته ساده‌ای برسد اما اگر به عمق آن برویم، درخواهیم یافت که بیان چنین جملاتی گام بسیار رو به جلو و مهمی برای استیفای حق مردم فلسطین است. این شخصیت هنری غربی که به دلیل تبار یهودی‌اش و اینکه نواده بازماندگان هولوکاست است، بدون ترس از برچسب یهودستیزی، راحت می‌تواند درباره بعضی موضوعات پیشتاز باشد و اظهار نظر کند، در جملات خود بیان می‌کند که دولت اسرائیل دهه‌هاست سیستم آپارتاید را بر مردم فلسطین مسلط کرده و سرزمین آنها را غصب کرده است. این یعنی اسرائیل یک دولت غاصب است و فلسطین به خود فلسطینی‌ها تعلق دارد. حالا دیگر نمی‌توان مساله فلسطین را به دعوای یک گروه از مردم عرب که همسایه دولتی قدیمی و مدرن به نام اسرائیل هستند تقلیل داد و رفته‌رفته به طور واضح و مشخص تمام تاکیدات روی این می‌رود که صهیونیست‌ها وارد سرزمین دیگران شده‌اند و آن را غصب کرده‌اند.

ده‌ها سال روی این نکته تاکید شده بود که این سرزمین از هزاران سال پیش به صهیونیست‌هایی که امروز ساکن آن شده‌اند تعلق داشته. گزاره‌های که طی این مدت بسیار روی آن تأکید می‌شد، شامل بر این بود که فلسطینی‌ها زمین‌های خودشان را به اسرائیلی‌ها فروختند و کسی چیزی را به زور غصب نکرده است. یا درباره اسرائیل می‌گفتند سرزمین بدون ملت برای ملت بدون سرزمین؛ تا مهاجرت صهیونیست‌ها به فلسطین را چیزی شبیه مهاجرت به یک منطقه غیرمسکونی جا بزنند. اینها اما همگی گزاره‌هایی بود که تا قبل از توفان‌الاقصی تا حدودی می‌توانست ذهن‌ها را فریب بدهد و حالا دیگر کار نمی‌کنند. به نظر می‌رسد حالا در مرحله‌ای هستیم که بسیاری از چهره‌های مشهور و موثر دنیا قدم به قدم به سمت شهامت گفتن چیزی حرکت می‌کنند که تا مدتی پیش حتی به آن این‌گونه فکر نمی‌کردند.

روایت ابراهیم حاتمی‌کیا از نمایش فیلم موسی در محضر رهبر انقلاب

روایت یک طلوع

سایت khamenei.ir به مناسبت روز سینما ویدئویی از دیدار عوامل فیلم «موسی کلیم‌الله به وقت طلوع» با رهبر معظم انقلاب را منتشر کرده که در آن، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای اخیراً در دیدار تهیه‌کننده، کارگردان و جمعی از دست‌اندرکاران این فیلم می‌فرمایند: «فیلم موسی علیه‌السلام را دیدم، عالی بود. ان‌شاءالله دنباله آن را هم همین‌طور بتوانید بیاورید. خیلی برجسته بود الحمدلله. من، هم لذت بردم از دیدن فیلم و هم خوشحال شدم از اینکه یک چنین اثری تولید شد».

پس از پخش این ویدئوی کوتاه، خود ابراهیم حاتمی‌کیا مقابل دوربین می‌آید و درباره کلید خوردن پروژه موسی و دیداری که پس از اتمام نسخه سینمایی آن با رهبر انقلاب داشت توضیحاتی ارائه می‌کند. حاتمی‌کیا می‌گوید خبر داشت که مرحوم سلحشور می‌خواست این پروژه را انجام بدهد و نتوانست. سپس جمال شورجه عزم انجام این کار را کرد که او هم برایش مشکلاتی پیش آمد و نهایتاً خود او از رهبر معظم انقلاب اجازه گرفت تا چنین کاری را انجام بدهد و پاسخ شنید که خوب است این کار انجام شود و خود شما هم انجام بدهید. حاتمی‌کیا می‌گوید پس از شنیدن چنین پاسخی دیگر خودش را مأمور به انجام این کار می‌دیده است. او می‌گوید وقتی در جریان تحقیقات و نگارش فیلمنامه، حجم لوکیشن‌ها و هزینه‌هایی را که برای تولید چنین کاری لازم بود متوجه شد، بابت هزینه‌های سرسام‌آوری که چنین کاری می‌توانست داشته باشد، نگرانی‌هایی برایش به وجود آمد و حتی دچار این تردید شد که آیا با توجه به شرایط مالی کشور، چنین کاری شدنی هست یا نه؛ تا اینکه با ایده استودیوهای مجازی آشنا شد و کار را به آن سمت برد. او می‌گوید سپس با این تردید مواجه شد که آیا اصلاً مناسب تولید اثری تاریخی هست یا نه. اثری که بتواند نخستین روایت جهان اسلام، بویژه جهان تشیع از این داستان باشد و در هر حال بی‌بهره از جذابیت‌های بصری و دراماتیک هم نباشد.

حاتمی‌کیا می‌گوید ۲۷ سال بود این پروژه کلید نخورده بود و ما آن را به مرحله کلید خوردن رساندیم. من ۵ سال است که سر این پروژه مانده‌ام، در حالی که پیش از این طی یک سال ۲ فیلم ساخته بودم. او می‌گوید خود را با این سوال‌ها مواجه می‌دید که آیا حاتمی‌کیا می‌تواند فیلم تاریخی بسازد؟ آیا حاتمی‌کیا می‌تواند فیلم مذهبی بسازد؟ آیا حاتمی‌کیا می‌تواند با تکنیک‌های جدید که در ایران تجربه نشده‌اند کار کند؟ و سپس می‌پرسد: آیا حاتمی‌کیا می‌تواند فیلمی بسازد که آقا از آن خوشش بیاید و از آن تعریف کند یا لااقل از آن بدش نیاید؟ این یکی برایم خیلی اهمیت داشت؛ تا اینکه فیلم آماده شد و قبل از هر کس دیگری، آن را فرستادیم تا آقا ببینند. من کلمات را با جزئیات یادم نمی‌ماند اما اینکه ۳ بار گفتند «عالی بود» را خوب به خاطر دارم و من نفسم بالا آمد. حاتمی‌کیا در پایان به این اشاره می‌کند که وقتی چنین شخصیتی با این مختصات علمی، فیلم را دیده و تأیید می‌کند، حالا دیگر نوبت او است که برود و کارش را شروع کند و بگوید صدا؛ دوربین و به حول و قوه الهی حرکت.

به عبارت دیگران

برادران نامرد جنبش فلسطین!

گردآورنده: تقی دژاکام

اشتباه دیگری که پیشینیان ما مرتکب شدند این بود که جنبش ملی فلسطین را به نظام‌های عرب که دارای انگیزه‌های خودخواهانه بودند متکی کرده و انگیزه‌های آنها را با انگیزه‌های شرافتمندانه توده‌های عرب مخلوط کردند. اغلب حکومت‌های عرب منطقه آن زمان زیرِ سیطره یا تحت تأثیر نفوذ انگلیس بودند و طبعاً نمی‌توانستند همپیمانان صادق جنبش آزادیبخش باشند که دقیقاً علیه جهانخواری انگلیس مبارزه می‌کرد. شیخ عزالدین قسام این مجاهد اصیل و شریف راه آزادی که قبل از آنکه سال ۱۹۳۲ به جنگل‌ها پناه برد، محروم‌ترین اقشار مردم را سازماندهی کرده بود، بالاخره به دلیل آنکه نتوانست کوچک‌ترین حمایتی از جانب یکی از کشورهای «برادر» به دست آورد، ۳ سال بعد قهرمانانه شهید شد. او در سال ۱۹۳۵ طی نبردی که از پیش محکوم به شکست بود، به دست انگلیسی‌ها کشته شد اما بخصوص همزیستی اعراب با مقامات انگلیسی بود که شرایط کشتن وی را برای انگلیسی‌ها فراهم کرد.

در جریان قیام خلقی سال ۱۹۳۶ نیز هیچ‌یک از رژیم‌های عربی به کمک مردم فلسطین نیامدند. اعتصابات عمومی که یکی از آنها ۶ ماه دوام یافت، تظاهرات و جنگ‌های منظم که تا آستانه جنگ دوم جهانی به دنبال یکدیگر آمدند، به خون کشیده شد. نه‌تنها دولت‌های عرب هیچ اقدامی برای جلوگیری از کشتار به عمل نیاوردند و نه‌تنها هیچ کمک مادی به این جمعیت بی‌دفاع که به مقابله با توپ‌ها و تانک‌های انگلیسی برخاسته بود نکردند، بلکه به عوض تمام اینها، بیانیه‌ای خطاب به خلق فلسطین منتشر کرده و طی آن دعوت به متوقف کردن جنگ علیه آنچه «همپیمان بزرگ ما انگلیس» نامیدند، کردند و در عین حال سعی کردند با معرفی کردن یهود [و نه اسرائیل] به عنوان دشمن اصلی، انقلاب را از مسیر اصلی خود منحرف سازند.

اریک رولو/ فلسطینی آواره
[خاطرات ابواياد مسؤول بخش اطلاعات و امنیت ساف]
حمید نوحی - انتشارات گام نو
صفحات ۹۳ و ۹۴

***

مرام بلشویکی عروس پس پرده است

در نتیجه جنگ بین‌الملل ۱۹۱۴ رشته انتظام در روسیه گسیخت. لنین و تروتسکی از خستگی و آزردگی سپاهی استفاده کرده، حکومت بلشویکی ساز کردند. حقد و حسد و بغض حکمفرما شد. عامه به جان اشراف افتادند و کردند آنچه کردند.

می‌گویند روسیه بهشتی است. اساس آن است که هیچ‌کس مالک هیچ چیز نباشد، محصول مملکت در بیت‌المال جمع شود، مایحتاج همه را دولت مهیا کند: منزل، خورش، لباس، کالا، افزار کار و غیره (آزادی افرادی و غیره ملحوظ نیست). اگر بشود به دست عمال از مردمی که می‌شناسیم، اسهام را به صحت و عدالت رساند شاید بتوان زندگی بهشتی را تصدیق کرد. اگر اسهام به تناسب لیاقت و هنر نباشد، هنرمند شاکی خواهد بود و اگر باشد بی‌هنر. باز رقابت باقی است و امتیاز ناگزیر.

افراد ناس در فکر و عمل تا چه اندازه آزادی دارند، نمی‌دانیم. کسی زحمت فکر و تتبع بیش از وظیفه به خود می‌دهد یا نمی‌دهد، معلوم نیست... تا این ساعت مرام کمونیستی عروس پس پرده است؛ زشت است یا زیبا، نمی‌دانیم. در بسته است و از پشت در تطمیع دیگران می‌کنند.

استاد علی نجار برای من کار می‌کرد. اوایل امر روزی به فرزندان من گفته بود: کی بشود که بلشویک‌ها به تهران بیایند. گفته بودند: وقتی آمدند چه خواهد شد؟ گفته بود: شنیده‌ام روزی یک امپریال به آدم می‌دهند. این همه امپریال از کجا می‌آید و چرا می‌دهند و چه کسی این فکر را در خاطر استادعلی تزریق کرده است، معلوم نیست.

هرچه می‌شود در عنوان دموکراسی است. زرد و کبود و سرخ همه کوس انا و لا غیری می‌کوبند و دم از آزادی می‌زنند. معلوم نیست آزادی چه رنگ است...

مهدیقلی هدایت(مخبرالسلطنه)
خاطرات و خطرات
انتشارات زوار - صفحات ۳۰۴ و ۳۰۵

***

کتاب‌هایی برای خود خود شما

بعضی وقت‌ها شما کتابی را می‌خوانید و آن کتاب برای‌تان الهام‌بخش می‌شود و شما را سر ذوق می‌آورد و به این فکر می‌کنید که دنیای درهم‌ریخته و خراب‌شده حال هیچ وقت درست نمی‌شود مگر اینکه شما به تمام آدم‌های روی زمین پیشنهاد کنید این کتاب را بخوانند. ولی کتاب‌هایی هم هستند که نمی‌شود در موردشان با بقیه حرف زد؛ کتاب‌های خاص و نایابی که فقط مخصوص خودت هستند و تبلیغ کردن‌شان یک جور خیانت است.

جان گرین/ خطای ستارگان بخت ما
میلاد بابانژاد و الهه مرادی
نشر پیدایش - صفحه ۴۵

***

بزرگی در نگاه شکسپیر

بزرگی راستین در آن نیست که مرد جز به یک انگیزه بزرگ به جنبش درنیاید، بلکه آنجا که پای شرف در میان است در پر کاهی نیز انگیزه پرخاش ببیند.

ویلیام‌شکسپیر/هملت
نشر دات - صفحه ۱۰۹